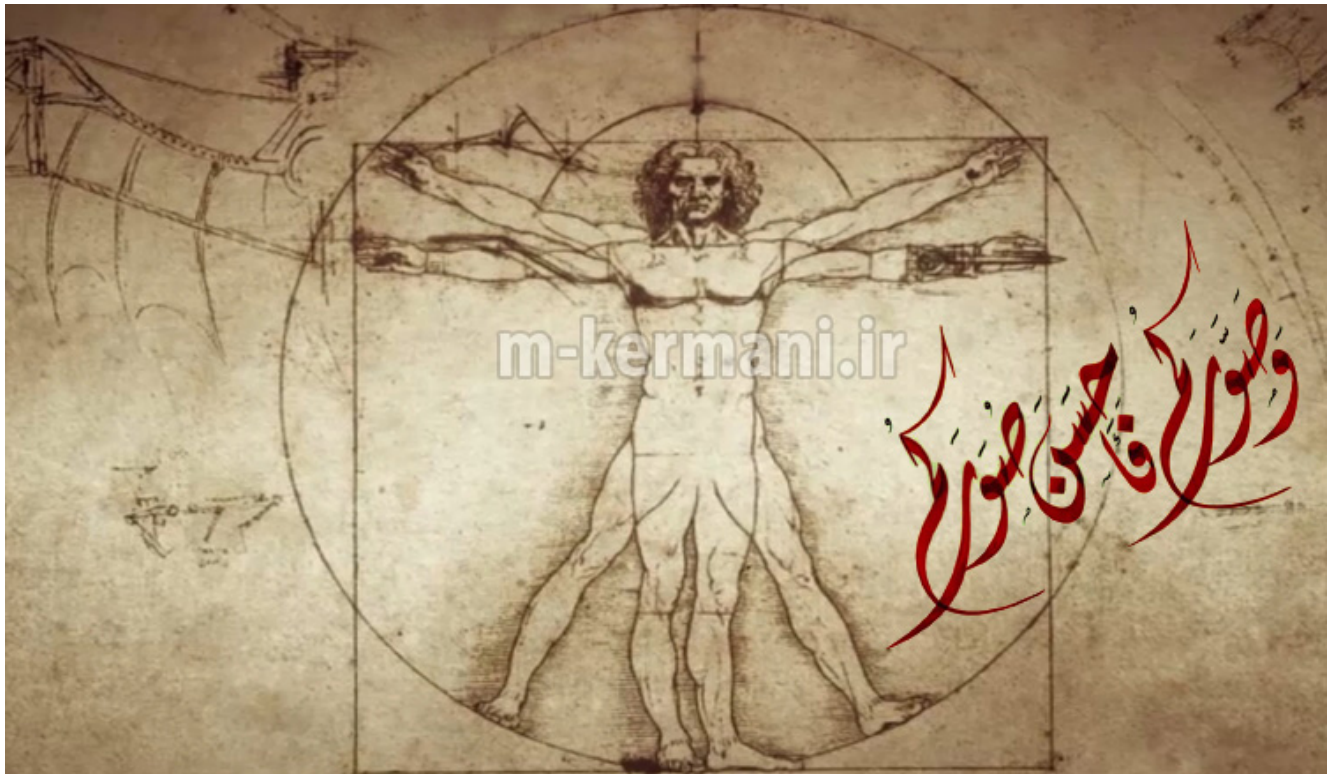




خلقت آدم علیه السلام قسمت چهارم: احسن تقویم

پس از وزش باد ها بر گل آدم ع، صورت جسمانی او به نیکوترین وجه کامل شد چنانکه خداوند فرمود وَ صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ و فرمود لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. و چهل سال به همان صورت ماند تا خداوند از روح خود به او دمید. همین جمله که منشور ابیات زیر است، خود نیازمند سه مطلب جداگانه میباشد.

کاشف افعال و اوصاف خدا	*** **	صورتی مرآت سرتاپانما
وز صفات ماسوی پیراسته	*** **	صورتی از وصف حق آراسته
سر خود در او نموده موبمو	*** **	صورتی دست ازل نقاش او
عالمی پیدا در او سر قدر	*** **	لوح محفوظی و لیکن مختصر
باطنی پیدا شده در چند و چون	*** **	هیکلی ظاهر ولی باطن نمون
آیتی اندر زمین و آسمان	*** **	حجتی قائم ابر خلق جهان
احسن التقویم را مصداق شد	*** **	صورت حق را چو آن مرآت بد
غایت این خلقت است امری عظیم	*** **	گفت هر کس دید آن خلق کریم
چه عظیم است امر این خلق عظام	*** **	میدوید ابلیس و میگفت این کلام
تا که روح اله اندر وی نمود	*** **	پس چهل سال آن چنان افتاده بود

صادق آل محمد علیه السلام میفرماید: الصورة الإنسانية هي أكبر حجج الله على خلقه، و هي الكتاب الذي كتبه بيده، و هي الهيكل الذي بناه بحكمته، و هي مجموع صور العالمين، و هي المختصر من اللوح المحفوظ، و هي الشاهدة على كلّ غائب، و هي الحجة على كلّ جاحد، و هي الطريق المستقيم إلى كلّ خير، و هي الجسر الممدود بين الجنة و النار.

امام صادق علیه السلام میفرماید صورت انسانی بزرگترین حجت خدا بر خلق اوست و کتابی است که آن را به دست خود نوشته و هیکلی است که به حکمت خود آن را بنا نهاده و آن مجموع صورت های عالم ها است و آن مختصری از لوح محفوظ است و بر هر غائبی شاهد است و بر هر انکار کننده معاندی حجت است و او به سوی هر خیری راه مستقیم بوده و پلی است که ما بین بهشت و جهنم کشیده شده است.

اما انسان اعظم رسول الله بوده و صورت او امیرالمؤمنین است، و آنچه در حدیث مذکور خواندیم در شأن علی است علیه السلام چنانکه در زیارت آن حضرت میخوانیم السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْكُبْرَى و خداوند میفرماید هذا کتابنا ينطق عليكم بالحق. و میفرماید وَ إِنَّهُ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ و میخوانیم صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى وَصِيِّهِ وَ خَلِيفَتِهِ وَ حُجَّتِهِ الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى خَلْقِهِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ و امام باقر علیه السلام فرمودند أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أَوْحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» قَالَ: إِنَّكَ عَلَى وَلايَةِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيٌّ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ و اوست قسیم النار والجنة.

حال جميع اناسی و بالتبع آدم ابوالبشر نیز از شعاع ائمه عليهم السلام خلقت شده اند و از جهت حقیقت بعد از حقیقت، صورت انسانی بر ایشان نیز صادق است چرا که بر صورت علی علیه السلام آفریده شده و در ایشان مثال نفس کلیه الهیه القاء شده است. و همین تمام شرافتی است که خداوند به انسان داده و فرموده وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ و شاهد آن حدیث امام باقر علیه السلام است که میفرماید خلق الله آدم على صورته خداوند حضرت آدم را بر صورت خود خلق فرموده و مسلم است برای ما که صورت خداوند ائمه هستند عليهم السلام، چنانکه به وفور در زیارات ایشان میخوانیم اشهد أَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى و میخوانیم سَلَامٌ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ أَمِنَ و میخوانیم السَّلامُ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ الْمُضِيِّ و میخوانیم أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأُولِيَاءُ.

و آنچه گفته شد، از معانی حدیث انا و علی ابوا هذه الامه میباشد چرا که خداوند ماده انسان را از پیامبر (ص) که پدر است گرفته و صورت را از مادر انسان که علی علیه السلام است گرفت و برای نشانه، نام علی را در چشم و بینی و ابروی صورت انسان جای داد.

مطلب دیگر اینکه، انسان تا زمانی چنین شرافتی دارد که بر صراط مستقیم بوده و عقائد صحیح و اعمال صالحه داشته باشد، در غیر این صورت از احسن تقویم به اسفل سافلین خواهد رسید، چنانکه خداوند میفرماید: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ.

و در اسفل سافلین بر حسب رتبه خود قرار میگیرد، طوری که عده ای تحت آیه ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ قرار گرفته و بدن اصلی ایشان بر هیئت جماد است، عده ای تحت آیه وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ

تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ قرار گرفته و برابر با نبات است و عده ای تحت آیه لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ قرار گرفته و برابر با حیوانات اند و عده ای تحت آیه وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ قرار گرفته و بدن اصلی ایشان بر هیئت شیاطین شده و اعمال و احوال و اعتقادشان برابر با ایشان شد. و در این آیات مذکور خداوند اغراق نکرده و تشبیه ناقص نمیکند .

مرحوم کرمانی اع میفرماید:

احادیث شاهد این مطلبها به حد تواتر است چنانکه میفرماید **الناس كلهم بهائم الا المومن** یعنی مردم همه بهیمه هستند مگر مومن و از این جهت احادیث بسیار رسیده است در هیئتهای مردم که چگونه محشور می شوند و اینکه اهل جهنم همه بر هیئت حیوانات می شوند و این است یک معنی قول خداوند **وَ اِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ** یعنی وقتی که وحوش محشور شوند پس هرکس کافر است البته بدن اصلی او بر هیئت جماد یا نبات یا حیوانات یا شیاطین است اگرچه صورت عارضی ایشان در این دار دنیا بر هیئت انسان باشد لکن بدن اصلی ایشان شیطان است یا حیوان است یا نبات است یا جماد است و از این جهت بود که بعضی را خداوند مسخ می فرمود و در همین دار دنیا صورت ظاهری ایشان می گشت و بر صورت باطنی خود بروز می کردند زیرا که صورت عارضی مثل لباسی است از برای شخص نمی بینی که اگر از کرباس مثلا کیسه ای بدوزند بر هیئت انسان و آن را رنگ کنند بر شکل انسان و خرسی را در آن کنند به ظاهر به شکل انسان می نماید و لکن اندرون آن خرسی است پس اگر لباس آن را بکنند باطن او بر شکل خرس بروز می کند همچنین هر قومی را که خدا می خواست رسوا کند و باطن ایشان را فاش کند لباس عارضی ایشان را می کند و باطن ایشان بروز می کرد و خداوند به برکت ظاهر اسلام غالب این امت را حفظ می کند و ایشان را رسوا نمی کند لکن به جهت نمونه گاهی ظاهر فرموده است چنانکه در معجزات ائمه مروی است که به کسی می فرمودند **اخسأ** و به صورت سگ می شد.

فی الجمله از طبع و خُلق و افعال اشخاص میتوانید به هیئت اصلی ایشان پی ببرید و اگر در همین دنیا نیز چشم بینا داشته باشیم هنگام نگاه کردن به مردم، هر کدام را بر شکل اصلی خود خواهیم دید، چنانکه در جریان ابو بصیر خوانده ایم که در مکه به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: امسال چقدر حاج بسیاریند حضرت فرمودند چقدر حاج کمند بعد چشم او را بینا کردند و دید که در صحرا همه حیواناتند مگر اندکی.

در آخر اینکه ابتدا افعال و اعمال خود را زیر نظر بگیریم تا مبدا از انسانیت خارج شده باشیم، و سپس حد دیگران را شناخته و بفهمیم که با چه کسی انس گرفته و قرین شده ایم، چنانکه مرحوم کرمانی اع در رساله چهار فصل میفرماید:

بدانید ای بندگان صالح خداوند که در چشم و گوش و بینی و دهان و اعضا و اکل و شرب و نکاح و سُرور و غضب و حرکت و سکون و خواب و بیداری، شما با سایر حیوانات شریکید و در اینها شما را کمالی نیست و کمال شما در خصال انسانی است که علم و حلم و ذکر و فکر و هشیاری و تنزه و حکمت باشد، پس سعی کنید که این خصال در شما یافت شود و در زمره اناسی درآیید.

و بدانید ای بندگان خدا که شما را امر کرده‌اند در شرع به صفاتی که آنها افعال انسانی است و از آثار روح انسانی است و نهی کرده‌اند شما را از چیزهایی که منافی با خصال انسانی است و از خصال حیوانی است، و خصال انسانی که به آن عمل کنید بسیار است و نهایت ندارد و عمر وفا به تحصیل کل آنها نمی‌کند، پس سعی کنید که روح انسانی در شما پیدا شود که اگر آن در شما پیدا شد جمیع آن خصال از شما بدون تعب و کلفت، خود سر می‌زند چنانکه حرکات و خصال حیوانی بی‌شمار است و گیاه اگر بخواهد آن خصال را تحصیل کند جمع همه آنها را نمی‌تواند بکند ولی به محضی که روح حیوانی در بدن آمد آن خصال در بروز و ظهور می‌آید و روز به روز کامل می‌شود.

حال همچنین این ابدان که روح حیوانی دارد، اگر روح انسانی در آن پیدا شد افعال انسانی خود از او به ظهور می‌آید چرا که اقتضای آن، آن است و اگر روح انسانی نداشته باشد روح حیوانی به کلفت و مشقت و زحمت و ریاضت بعضی از آنها را می‌تواند تحصیل کند و آخر هم حیوانی می‌شود که قدری مودب شده به واسطه ترس از سایش و تعلیم او و انسان نمی‌شود.

پس سعی شما کلاً ای بندگان خدا باید در آن باشد که روح انسانی در شما پیدا شود، و علامتش آن است که بی‌کلفت افعال انسانی از شما به عمل آید و طبیعی باشد و اگر این را نمی‌توانید، سعی کنید که حیوانی مودب باشید و مخالفت صاحبان خود را ننمایید و چموشی ننمایید که صاحبان خود را که امامان شما باشند بیازارید.

و بدانید که علامتی دیگر برای حصول روح انسانی، انس با انسان و وحشت از حیوانات است، پس هرکس مأنوس به آل محمد علیهم السلام که حقیقت انسانند شد او انسان است و علامت صدقش استیحاş از اعدای ایشان است، و هرکس استیناس به ایشان پیدا نکرد یا وحشت از اعدای ایشان تحصیل نکرد انسان نیست، پس اقلاً سعی کنید که حیوانی مودب باشید.

اللهم لاتفضحنی بمواقات افعالی و سیئات اعمالی یوم تبلی السرائر و ما لاحد من قوه و لا ناصر بحق محمد و آله الطیبین الطاهرین و یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح اظهر الجمیل بکرمک و استر القبیح بسترک یا ستار.